

## جارچی ملت، از انتشار تا توقیف مکرر

داود قاسم‌پور

### مقدمه:

مطبوعات، به عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان اطلاع‌رسانی در دوره منتهی به مشروطیت، نقش زیادی در روشننگری مردم داشت. اغلب مورخان که در زمینه تاریخ مشروطه ایران دست به تحقیق زده‌اند، از روزنامه‌ها و نشریات به عنوان یکی از عوامل اصلی آگاهی مردم و در نهایت تحقق انقلاب مشروطه یاد کرده‌اند. انتشار اولین نشریه در ایران، هفتاد سال پیش از انقلاب مشروطه بود و آن مدت، زمانی کافی برای بالندگی مطبوعات در ایران بود؛ دوره‌ای که در آن، نشریات افشاگر، چون حبل‌المتین، اختر، پرورش و... منتشر می‌شد و در بیان فواید قانون و نیز تبعات استبداد سخن می‌گفتند و به این ترتیب اذهان مردم را برای خیزش علیه استبداد آماده می‌کردند. اگر به مطبوعات منتشره در دوره پیش از انقلاب مشروطه نگاهی بیاندازیم، می‌بینیم که اغلب این نشریات خارج از کشور منتشر می‌شد. دلیل این امر همان هراس شاهان و دولتمردان قاجار از کارکرد مطبوعات بود.

پس از پیروزی انقلاب مشروطه در ۱۳۲۴ ق (۱۲۸۵ ش) گشایشی در انتشار مطبوعات صورت گرفت و به قول سیدفرید قاسمی «هر کس هفت تومان پول می‌داشت، روزنامه منتشر می‌کرد» به این خاطر است که در این دوران شاهد رشد روزافزون نشریات با گرایشها و نگرش‌های متعدد هستیم. انتشار این نشریات، از یک طرف باعث التهاب در جامعه شده بود و از طرف دیگر مردم را نسبت به نگرش‌های گوناگون آگاه می‌کرد.

آزادی مطبوعات در این دوره، چیزی نبود که از طرف دولتمردان کهنه‌کار قجر و بخصوص پادشاهی که اکنون اختیاراتی چون پدران خود نداشت و از این امر ناراضی بود، تحمل شود. حمله بی‌پروای مطبوعات به محمدعلی شاه و اطرافیان او، بدون تردید یکی از انگیزه‌های او در مباران مجلس بود که به ایجاد دوره‌ی

به نام استبداد صغیر منجر شد. در آن دوران، مطبوعات همه توقیف و مدیران جراید دستگیر و برخی از آنان چون میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل اعدام شدند. این دوره، چنان که از عنوانش برمی‌آید، کوتاه بود؛ چرا که آزادیخواهان از هر سو، به ویژه تبریز، سر برآوردند و به مقابله با استبداد برخاستند. این مهم، در نهایت پس از دو سال مجاهدت تحقق یافت و دوباره مشروطه استقرار و شاه تبعید شد و از نو مجلس قانونگذاری منعقد گردید. یکی از آنی‌ترین پیامدهای این دوره، انتشار مجدد نشریات و جراید بود که در سایه‌سار مشروطه فرصتی نو یافته بودند تا پس از دو سال تعطیلی، دوباره به اطلاع‌رسانی بپردازند. از آن جمله نشریاتی که در آن مقطع شروع به انتشار کرد، جارچی ملت بود.

### ۱- بنیان‌گذار و مدیران مسؤوّل نشریه

بنیان‌گذار نشریه جارچی ملت، آقا سیدحسین آقا ابراهیم‌زاده بود که از مشروطه‌خواهان تهران بود. درباره محل و سال تولد، تحصیلات و نیز فرجام او اطلاعی در دست نیست، ولی انتشار نشریه جارچی ملت، نشان از اعتقادات و عقاید او دارد؛ اینکه از مشروطه‌خواهان بود و به قول نشریه چهره‌نما «فدائی ملت و معارف ایران» بود. او در اولین شماره نشریه او درباره انگیزه اصلی خود در مبادرت به انتشار نشریه می‌نویسد که درباره مصایب وطن بسیار اندیشه کردم و روی به درگاه خدای آوردم که "معبودا، آیا ما یک مشت ملت بدبخت را از جرگه بندگی خارج نموده و یا نام این ملت فلک زده را از صفحه کاینات حذف نموده ... ما کدام جرم و عصیان بزرگ مرتکب شده ایم" در این افکار بودم که هانفی صدا در داد که خود برای نجات این ملت از این وضعیت چه کرده‌ای؟ استماع این کلمات حالتی بس عجیب به من دست داد ... بالاخره عزم خود جزم و با خدای خود شرط کردم که من بعد حتی المقدور و از تحمل زحمات در خیر ملت مضایقه نکنم و در خدمت به وطن و لو غائب جزئی باشد. بکوشم. پس مقدمتا همین جریده را با قلبی صاف و عزمی راسخ ترتیب دادم<sup>۱</sup>. او که تا سال چهارم جارچی ملت، صاحب امتیاز و نگارنده آن بود، گویا انتظار نشریه‌اش را به علی حسین‌زاده نامی واگذار کرده بود که علت آن معلوم نیست. او پس از واگذاری امتیاز نشریه فوق، دست به انتشار نشریه‌ای دیگر با عنوان «جاسوس» زد که آن نیز در تهران منتشر می‌شد. مشی انتقادی این نشریه نیز باعث توقیف آن شد و حتی، اولین شماره آن که در ربیع‌الاول ۱۳۳۲ ق منتشر شده بود، توقیف و تمام شماره‌های آن توسط رئیس تفتیش کل معارف ضبط گردید و از توزیع آن ممانعت به عمل آمد این نشریه نیز بیش از همان یک شماره منتشر نشد. در اینکه آیا ابراهیم‌زاده خود نیز توقیف شد یا نه اطلاعی در دست نیست ولی مطبوعه (چاپخانه) کلیمیان که نشریه فوق در آنجا منتشر شده بود نیز به نظمیّه جلب و بابت چاپ این نشریه اخطار گرفت<sup>۲</sup> و در نهایت با التزام عدم چاپ آن نشریه، آزاد گردید. این امر نشان می‌دهد مشی نشریه جاسوسی به شدت انتقادی و تند بود. پس از آن دیگر از او خبری در مطبوعات و نشریات نیست و با حاکم شدن استبداد رضا خانی و بعد رضاشاهی این غیبت طبیعی می‌نمود؛ چرا که او با آن رویه انتقادی خود نمی‌توانست در آن دوران دست به قلم برد و به نشر نشریه بپردازد.

اگر چه آقا سیدحسین ابراهیم‌زاده، از لحاظ مشخصات فردی گمنام است، در عالم اندیشه و نظر او

شناخته شده تر است با این توضیح که با استناد به مقالات او در نشریات جارچی ملت و جاسوس و حتی خود عنوانهای نشریات فوق می توان به آن پی برد. او از طرفداران پروپا قرص مشروطه و از مخالفان استبداد بود و گویا در دوره استبداد صغیر به مبارزه با استبداد نیز می پرداخت و این را از مفاد مقالات نشریه جارچی ملت می توان حدس زد.

از لحاظ مشخصات فردی هم اگرچه او گمنام است، در عوض خواهر و نیز دامادش از معاریف فرهنگ ایران بودند. سیدحسن رشدیه، مدیر مدارس رشدیه و بنیان گذار مداری نوین در کشور که از بزرگترین رجال فرهنگی ایران بود و به توضیح بیشتر درباره او نسبت شوهر خواهر آقا سید حسین ابراهیمزاده بود. همسر رشدیه، و خواهر سیدحسین ابراهیمزاده، نیز از بانوان فاضله و دانشمند ایران بود که در ۱۳۰۰ ق به دنیا آمده بود و در بیست و چهار سالگی، سال مشروطه، مدرسه عفاف را در تهران بنیان نهاده بود. اداره بهتر آن مدرسه و نیز اشتهار او باعث شد تا وزارت علوم وقت اداره چهار مدرسه زنانه تهران، تربیت، حسنات، ناموس و عفاف را به او واگذار نماید. این امر نشان می دهد که آقا سید حسین از خانواده‌ای دانشمند و با فرهنگ بوده و خصوصیات خواهرش نشان از این است. او در دهم ربیع‌الاول ۱۳۳۲ هـ. ق در حالیکه سی و دو سال بیشتر نداشت. مقارن انتشار نشریه جاسوس، در تهران درگذشت و دولت وقت جهت پاسداشت یاد او به برگزاری مجلس ختم مبادرت ورزید؛ از جمله حاضران در آن ختم، حکیم الملک، وزیر معارف وقت بود.<sup>۲</sup>

## ۲- معرفی و فراز و فرود نشریه

یکی از نشریاتی که در طول سال‌های ۱۲۸۷ش تا سال‌های آغازین سلطنت رضاشاه پهلوی و به تناوب در تهران منتشر می‌شد، نشریه جارچی ملت بود. این نشریه، در ۱۳۲۸ هـ. ق توسط میرزا حسین آقا معروف به آقا سیدحسین ابراهیمزاده در چهار صفحه منتشر می‌شد و ترتیب انتشار آن نیز هفتگی بود. اولین شماره آن در ۱۳۲۸ هـ. ق منتشر شده است و تاریخ دقیق، روز و ماه، انتشار آن، مشخص نیست. در اولین شماره‌ی آن، تاریخ نشر، پنجمی دوازدهم ذکر شده است که گویا پنج‌شنبه دوازدهم ماه بوده و چه ماهی مشخص نیست. صدرهاشمی از پژوهشگران عرصه مطبوعات نیز تنها به ذکر سال آن اکتفا کرده است.<sup>۳</sup> رابینو، یکی دیگر از مورخان عرصه مطبوعات نیز به تاریخ انتشار پنجمین شماره آن اشاره کرده و آن را محرم ۱۳۲۹ ق می‌داند.<sup>۴</sup> در شماره پنجم نشریه فوق، تاریخ مذکور قید نشده است و ظاهراً اعلانیه‌ی وزارت معارف و اوقاف و فواید عامه به "عموم مدیران جراید" مبنی بر اخطار به آنان جهت ارسال دو نسخه از هر نشریه به آن وزارت‌خانه، منیع استناد رابینو بوده است. ششمین شماره این نشریه نیز در قبل از ۱۲/ محرم/ ۱۳۲۹ منتشر شده است، چرا که در شماره ۶ آن و در صفحه دوم، نامه‌ای از بلدی‌هی تهران منتشر شده است که تاریخ فوق را دارد. در این نامه بلدی‌هی تهران، شهرداری، از انتقاد روزنامه گله کرده خواستار انعکاس خدمات بلدی‌هی شده بود.

درباره زمان انتشار شماره ۷ آن نیز اطلاعی در دست نیست و احتمالاً در اواخر ماه محرم یا اوایل ماه صفر منتشر شده بود؛ چرا که رابینو، اطلاعاتی راجع به شماره ۸ ان نشریه می‌دهد که در ۹/ صفر/ ۱۳۲۹

منتشر شده است. این نشریه در شماره ۱۰ توقیف گردید چرا که میرزا علی چاپچی از رجال آن عصر که مراداتی هم با دولت داشته، در نامه‌ای که در ربیع‌الاول ۱۳۲۹ به وزارت معارف نوشته، به توقیف جارچی ملت اعتراض کرد. او در نامه اعتراضیه‌اش قید کرده بود: «در مملکت قانونی، این نوع توقیف روزنامه را تا کنون ندیده، بلکه نشنیده‌ام، روزنامه جارچی ملت یک نمره از آن توزیع نشده از طرف نظمی به اشتباه حکم بر توقیف آن جریده صادر شده مطلب تا کنون معلوم نشده»<sup>۶</sup> و به قول سید حسین مدیر نشریه "ناچار تن به قضا داده دست بروی دست نهادم تا مدت اسدادهش به سرآمد"<sup>۷</sup> ظاهراً دلیل این توقیف، توهین نشریه به نظمی بوده چرا که در آن شماره، کاریکاتوری کشیده شده بود که در آن، تفنگچی، فراش روزنامه را چون روزنامه را در آورده هدف قرار داده است<sup>۸</sup> که منظور از تفنگچی، مامور نظمی بود. این توقیف یک ماه بیشتر طول نکشید چرا که محمد صدر هاشمی از انتشار مجدد آن در ۱۷/ربیع‌الثانی/۱۳۲۹ گزارش می‌دهد.<sup>۹</sup>

این نشریه، به اعتراف صریح خود روزنامه در شماره ۲۴ آن، بارها توقیف و از توزیع آن ممانعت به عمل آمد.<sup>۱۰</sup> دلیل این امر مشی روزنامه در انتقادات صریح از شخصیت‌ها و نیز ارگانهای دولتی بود که البته دلیل قطعی آن معلوم نیست. این نشریه، چند ماه پس از توقیف، دوباره انتشار خود را از سر گرفت و انتشار مجدد آن، مصادف با حرکت محمدعلی شاه به طرف ایران، جهت کسب مجدد قدرت بود.

در شماره‌ی ۱۴ آن، به مناسبت مذاکرات محمدعلی شاه مملوع با ترکمنها جهت تسخیر تهران، کاریکاتوری از او چاپ شده بود که ذیل آن نوشته شده بود: «با ورود به طهران، آنقدر اسیر به شما دهم که خودتان از بردن اسرا معطل بمانید»<sup>۱۱</sup>. نوزدهمین شماره جارچی ملت، در روز دوشنبه دهم رمضان ۱۳۲۹ منتشر شد و پس از آن، انتشار آن، مرتب و به صورت هفتگی تا ذی‌الحجه ۱۳۳۰ تداوم داشت. در آن تاریخ، این نشریه دوباره توقیف و از انتشار باز ماند. این بار علاوه بر توقیف نشریه، مدیر آن نیز دستگیر و زندانی شد. در گزارشی که نشریه چهره‌نما- از نشریات آن دوران- در ۲۰/ربیع‌الثانی/۱۳۳۰ در این باره چاپ می‌کند می‌گوید: «تقریباً سه ماه قبل یعنی ۱۹/ذی‌الحجه، روزنامه جارچی ملت را با جناب آقا سیدحسین ابراهیم‌زاده مدیر او به حکم وزارت داخله توقیف کردند. پس از چند روز، مدیر را رها کردند که گویا تقصیر و گناهی به این یگانه فدایی ملت و معارف ایران وارد نیاوردند. مجدداً در ۱۲/صفر تا چند روز، جناب آقای سیدحسین ابراهیم‌زاده را توقیف کردند و باز رها کردند و باز معلوم نشد علت گرفتن و رها کردن اگر از مراتب غیرت و حمیت این جوان وطن‌خواه واقعی و خدمات چنیدن ساله او در راه وطن عزیز اهالی حقیقت نیست»<sup>۱۲</sup> این گزارش نشان می‌دهد که روزنامه حداقل، سه ماه در توقیف بود و مدیر آن نیز مدام از طرف وزارت داخله احضار، دستگیر و سپس آزاد می‌گردید. صدرهاشمی این توقیف را یکساله می‌داند.<sup>۱۳</sup> پس از آن، این نشریه، انتشار خود را با مدیریت آقا سیدحسین ابراهیم‌زاده از سر گرفت ولی گویا رابطه چندان خوبی با دولت نداشته چرا که در ۱۳۳۶ هـ. ق. همراه با نشریه جریده وطن در نامه‌ای، به شاه از اینکه دولت در انتشار اعلانات دولتی در نشریات نسبت به آن نشریه تبعیض قایل می‌شود گلایه کرده، عریضه و شکواییه‌ای در این زمینه تهیه کرده بودند.<sup>۱۴</sup> این موضوع با انتشار کاریکاتورهای اهانت‌آمیز در

نشریه جارچی ملت، بی‌ارتباط نبود.

در سال چهارم این نشریه، صاحب امتیاز و مدیر مسؤؤل آن تغییر کرد و علی حسین زاده مشخصاً از شماره‌ی ۱۴ سال چهارم، انتشار آن را عهده‌دار شد.<sup>۱۵</sup> این نشریه در ۱۲۹۹ ه. ش که یازدهمین سال انتشار آن بود، به طور مرتب منتشر می‌شد و در هر ماه، سه یا چهار شماره آن انتشار می‌یافت. پس از روی کار آمدن رضا شاه، این نشریه هفتگی به انتشار خود ادامه داد با این تفاوت که در ۲۹/ فروردین/ ۱۳۰۵ چند ماه پس از به تخت رسیدن رضا شاه، شورای عالی فرهنگ، امتیاز آن را به میرزا علی خان نوائی واگذار کرد که از آن پس، این نشریه به مدیریت نوایی منتشر می‌گردید.<sup>۱۶</sup> علی حسین زاده نیز که از سال چهارم انتشار آن، مدیریت آن را عهده‌دار بود، به احتمال زیاد، از عوامل اصلی آن نشریه بود. مدیریت میرزا علی خان نوایی بر آن نشریه، مدت زیادی به طول نینجامید. چرا که در سال ۱۳۰۶ ش، مدیر صاحب امتیاز آن، حسن منشی‌زاده تبریزی بود و مدیر مسؤؤل آن را حسن منشی‌زاده تبریزی و علی حسین زاده توأمان عهده‌دار بودند.<sup>۱۷</sup>

درباره ترتیب انتشار آن نیز منابع ساکتند و نیز اینکه عمر این نشریه در چه تاریخی به سر آمد ولی می‌توان حدس زد که این نشریه در دوره رضاشاه نمی‌توانسته به حیات خود ادامه دهد و با توجه به منشی انتقادی خود مدت مدیدی نمی‌توانست در عرصه اطلاع‌رسانی حضور داشته باشد و تعویض متوالی صاحب امتیاز آن با این قضیه بی‌ارتباط نبود. بنابراین می‌توان این نشریه را به سه دوره مشخص تقسیم کرد: ۱- در دوره‌ای که با مدیریت آقا سیدحسین ابراهیم‌زاده منتشر می‌شد و منشی انتقادی محض داشت و از نشریات مدافع جدی و گاهی هم تند مشروطه و مخالف جدی استبداد به خصوص محمد علی شاه بود.

۲- دوره‌ای که صاحب امتیاز و نگارنده آن، علی حسین زاده بود و همچنان انتقادی بود ولی در بعضی موارد نیز جانب احتیاط را رعایت می‌کرد. ۳- دوره رضا شاه که ابتدا با مدیریت میرزا علی خان نوایی و سپس سیدحسن منشی‌زاده تبریزی انتشار می‌یافت. صدرهاشمی، برخی از مطالب آخرین شماره‌های این نشریه را اینگونه ذکر می‌کند: ۱- کابینه جدید و قدیم ۲- واقعه نور سه‌شنبه، الفابر کاپیتولاسیون ۳- اصلاح قوه قضاییه ۴- امضاء قرارداد تجارتي دولتین ایران و روس که اغلب این تحولات مربوط به سال ۱۳۰۶ ش مربوط است،<sup>۱۸</sup> تاریخی که به احتمال زیاد، آخرین شماره‌های این نشریه منتشر می‌شد.

### ۳- منشی نشریه

نشریه جارچی ملت، آشکارا حامی مشروطه بود. اگر چه برخی منابع از این نشریه با عنوان «جریده اعتدالی» یاد می‌کنند، با مطالعه مقالات و نیز مندرجات آن، می‌توان دریافت که این نشریه هوادار سرسخت مشروطه بود. شعار این نشریه، مشروطه بی‌قانون، آزادی استبداد و توقیف قانون بود و زیر آن شعر معروف «مشروطه نگهدار که مشروطه نکوست- هم لایق دشمن است و هم لایق دوست» حک شده بود. در صفحه اول آن، تصویر یکی از رجال مملکتی که به نوعی مخالفت با مشروطه داشتند یا از طرفداران استبداد بودند، ترسیم می‌شد و در صفحات بعدی، به ذکر توضیحاتی پیرامون آن شخصیت پرداخته می‌شد. در

اولین شماره‌ی آن، تصویر ناصرالملک، نایب‌السلطنه احمدشاه قرار داده شده و در شماره‌های بعدی، تصاویر افرادی چون محمدعلی شاه، سردار محیی، سالارالدوله، ناظم‌الاطباء و... ترسیم شده است. مقاله اصلی این نشریه که به احتمال زیاد مدیر مسؤول آن را می‌نوشت، در صفحه دوم آن نوشته می‌شد که غالباً در نقد استبداد و نیز ادارات دولتی است که گاهی این انتقادات، پاسخ دوایر دولتی را در پی داشت و نشریه، پاسخ آن دوایر را در همان صفحه ۲- چاپ می‌کرد. در صفحه سوم نشریه اشعاری در نفی استبداد و در دفاع از مشروطه البته با نگاهی انتقادی درج می‌شد که گاهی این اشعار به صورت طنز هم چاپ می‌شد. درباره سراینده این اشعار اطلاعی در دست نیست ولی می‌توان حدس زد که این اشعار را مدیر مسؤول خود سروده است. فعالیت این نشریه بخصوص در دوره تلاش مجدد محمدعلی شاه برای رسیدن به تاج و تخت بیشتر بود و حجم زیادی از مطالب و نیز کاریکاتورهای آن، به آن موضوع اختصاص می‌یافت. در این دور، کاریکاتورها، حجم بیشتری از نشریه را به خود اختصاص می‌داد و این کاریکاتورها اغلب با توضیحات کافی بود که کاملاً مطلب را به خواننده تفهیم می‌کرد. البته چنان‌که پیشتر گفته شد، باعث توقیف آن نیز می‌گردید که از آن جمله می‌توان به توقیف آن در سال ۱۳۳۰ هـ. ق و پس از اهانت به نظمیه اشاره کرد. اختصاص بخشی از نشریه به مصاحبه‌ها از جمله مصاحبه با عباس افتدی، رییس فرقه بهائیت و اخبار و مکتوباتی از ایالات و نیز اشعاری در حمایت از مشروطه، از ویژگی‌های خاص این نشریه بود.

## منابع:

- ۱- نشریه جارچی ملت، شماره‌های متعدد، سالهای متعدد.
- ۲- اسناد مطبوعات، ۱۳۲۰-۱۲۸۶ ش- به کوشش کاوه بیات و مسعود کوهستانی‌نژاد، ج ۱، تهران، سازمان اسناد ملی، ۱۳۷۲.
- ۳- ادوارد براون، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ترجمه محمد عباسی، تهران معرفت، ۱۳۳۷.
- ۴- شهین اسفندیاری، علی عطرفی، جلال مساوات و باقر مومنی، مطبوعات ایران، فهرست تحلیلی کتابخانه مجلس سنا، تهران، موسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی، ۱۳۵۸، ص ۷۷.
- ۵- سیدمحمد صدری طباطبایی‌نابینی، راهنمای مطبوعات ایران، ج ۱، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۸.
- ۶- محمد صدر هاشمی، تاریخ جراید و مطبوعات ایران، تهران، کمال، ۱۳۶۳، ص ۱۵۸.
- ۷- م.ه. رابینو، روزنامه‌های ایران، ترجمه و تدوین: جعفر خمami‌زاده، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۰.

### پی نوشت‌ها:

- ۱- نشریه جارچی ملت، شماره ۱، ص ۲.
- ۲- صدرهاشمی، پیشین، ص ۱۶۱.
- ۳- محمد صدرهاشمی، پیشین، ص ۱۶۱.
- ۴- محمد صدرهاشمی، تاریخ جراید و مطبوعات ایران، تهران، کمال، ۱۳۶۳، ص ۱۵۸.
- ۵- م. ه. رابینو، روزنامه‌های ایران، ترجمه و تدوین: جعفر خمایی زاده، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۰، ص ۱۱۲.
- ۶- اسناد مطبوعات، ۱۲۸۶، ۱۳۲۰ ش، به کوشش کاوه بیات و مسعود کوهستانی نژاد، ج ۱، تهران، سازمان اسناد ملی، ۱۳۷۲، ص ۳۱۲.
- ۷- نشریه جارچی ملت، شماره ۲۴، ص ۲.
- ۸- محمد صدرهاشمی، پیشین، ص ۱۵۸.
- ۹- محمد صدرهاشمی، پیشین، ص ۱۵۸.
- ۱۰- جارچی ملت، شماره ۲۴، ص ۲، (۹۴ مجموعه حاضر).
- ۱۱- جارچی ملت، شماره ۲۴، ص ۲.
- ۱۲- محمد صدرهاشمی، پیشین، ص ۱۵۹.
- ۱۳- محمد صدرهاشمی، پیشین، ص ۱۶۰.
- ۱۴- اسناد مطبوعات، پیشین، ص ۴۵۴.
- ۱۵- شهین اسفندیاری- علی عطفی، جلال مساوات و باقر مومنی، مطبوعات ایران، فهرست تحلیلی کتابخانه مجلس سنا، تهران، موسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی، ۱۳۵۸، ص ۷۷.
- ۱۶- صدرهاشمی، پیشین، ص ۲۶۰.
- ۱۷- سیدمحمد صدری طباطبایی نایینی، راهنمای مطبوعات ایران، ج ۱، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۸، ص ۲۳۱.
- ۱۸- صدرهاشمی، پیشین، ص ۱۶۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی